

عادل شهرزاد به سر آمد خبر داد:

اجرای طرح تاز یخ شفاهی میراث خلیج فارس در هرمز گان



مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمز گان، گفت: در راستای حفاظت از مواریت فرهنگی خلیج فارس، اجرای طرح تاریخی شفاهی استان هرمز گان در دستور کار اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمز گان قرار گرفته است.

عادل شهرزاد در گفت و گو با خبر نگار اقتصاد سرآمد، یکی از اهداف مهم اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمز گان را حفاظت از تاریخ این استان به عنوان بخش مهمی از میراث خلیج فارس، اعلام کرد.

مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمز گان، اظهار داشت: تاریخ هرمز گان فقط به وجود بناهسای تاریخی محدود نمی شود بلکه فرهنگ و هویت بومیان این استان نیز بخش مهمی از تاریخی و میراث خلیج فارس است.

وی با تاکید بر ضرورت حفاظت از این میراث فرهنگی بسا ارزش در منطقه خلیج فارس، بیان داشت: در همین راستا، اجرای طرح تاریخی شفاهی استان هرمز گان در دستور کار اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمز گان قرار گرفته است.

به گفته وی، هدف اصلی از اجرای طرح تاریخ شفاهی هرمز گان، شناسایی، ثبت و مستندسازی روایت های بومی و مردمی استان به صورت مرحله است که می تواند زمینه ساز آشنایی عموم مردم با تاریخ استان هرمز گان به عنوان بخش مهمی از خلیج فارس است.

وی یادآور شد: در گام نخست این پروژه میراث فرهنگی، شناسایی تاریخی شفاهی در تمام شهرستان های استان صورت خواهد گرفت که در این راستا از ظرفیت های محلی، پژوهشگران و افراد مطلع استفاده خواهد شد؛ پس از اتمام عملیات شناسایی، پروژه اجرایی طرح تاریخ شفاهی هرمز گان وارد عملیات اجرایی خواهد شد.

مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمز گان، تاکید کرد: تاریخ شفاهی بخش مهمی از حافظه فرهنگی و اجتماعی هرمز گان را در خود جای داده است و ثبت آن می تواند در حفظ هویت بومی، تقویت پژوهش های تاریخی و انتقال تجربه ها و روایت های ارزشمند به نسل های آینده نقش مؤثری ایفا کند.

این مقام مسئول در استان هرمز گان، بیان داشت: با توجه به برنامه ریزیهای جامع در خصوص اجرای طرح تاریخ شفاهی هرمز گان، انتظار می رود به زودی شاهد آغاز عملیات اجرایی این پروژه مهم میراث فرهنگی در استان هرمز گان باشیم.



سید گروه راهبردی – مطالعه موردی سلطنت عمان در

حوزه کشورهای که اقتصادی وابسته به نفت داشته اند

و در حال جست و جو برای یافتن مسیرهای جدیدی برای رشد اقتصادی هستند. نشان می دهد که ادغام منابع دریایی در راهبردهای توسعه ملی می تواند به تنوع بخشی اقتصادی، افزایش تاب آوری و دستیابی به توسعه بلندمدت پایدار کمک کند؛ مشروط بر آنکه این مسیر بر پایه محدودیت های اکولوژیک، حکمرانی مؤثر و برنامه ریزی اقتصادی مبتنی بر ارزش شکل بگیرد. در ادامه این مطلب ترجمه روزنامه «اقتصاد سرآمد» از یادداشت علمی منتشر شده در ماه ژوئن سال ۲۰۲۶ در مجله npj Ocean Sustainability از مجموعه Nature، به قلم ابتسام العبری از دانشگاه سلطان قابوس عمان و یورشید سمیلاز دانشگاه پرتیش کلمبیا کانادارامی خوانید. این مقاله سرمایه طبیعی دریا را با عنوان «طلای آبی» در برابر «طلای سیاه» یعنی نفت، قرار می دهد. با ذکر این نکته که این متن با کمک هوش مصنوعی ترجمه شده است.

مقدمه

اقتصادهای متکی بر منابع طبیعی در برابر یک پرسش تاریخی قرار گرفته اند: پس از نفت چه خواهد آمد؟ در عمان، پاسخ بخشی از این پرسش در امتداد بیش از ۳۱۶۵ کیلومتر ساحل این کشور جست و جو می شود؛ جایی که شیلات، آبی پروری، گردشگری دریایی، لجستیک و صنایع وابسته به دریا می توانند از یک فعالیت اقتصادی محدود به یکی از پایه های تنوع بخشی اقتصاد تبدیل شوند. «طلای آبی» در این نگاه، نه نام دیگری برای افزایش برداشت از دریا، بلکه تعریفی تازه از سرمایه طبیعی و ثروتی است که تنها در صورت حکمرانی درست، امکان باز تولید خواهد داشت.

از «طلای سیاه» تا «طلای آبی»

سلطنت عمان در یکی از حساس ترین مقاطع اقتصادی خود قرار گرفته است. اقتصادی که ده ها بر درآمد های نفت و گاز تکیه داشته، اکنون با واقعیت محدود بودن منابع فسیلی، شتاب جهانی کربن زدایی و افزایش ریسک های ژئوپلیتیکی مواجه است. صادرات هیدروکربن در گذشته نزدیک به ۸۰ درصد درآمد های دولت عمان را تشکیل می داد. همین وابستگی، ضرورت پیدا کردن موتورهای تازه رشد را افزایش داده است؛ موتورهایی که بتوانند علاوه بر درآمدزایی، تاب آوری اقتصاد را نیز بالا ببرند. در این میان، دریا یکی از مهم ترین گزینه هاست.

عمان بیش از ۳۱۶۵ کیلومتر خط ساحلی دارد و در مجاورت برخی از مهم ترین مسیرهای کشتیرانی جهان قرار گرفته است. شیلات پایدار، آبی پروری، گردشگری دریایی و توسعه زنجیره های ارزش دریایی از جمله ظرفیت های هستند که هنوز به اندازه توان بالقوه خود توسعه نیافته اند.

اما نکته مهم اینجا ست: «طلای آبی» قرار نیست جایگزین مستقیم «طلای سیاه» شود. مسئله، جایگزینی حجم درآمد نفت با حجم درآمد ماهی با گردشگری نیست؛ بلکه تغییر نگاه به ثروت طبیعی و حرکت از اقتصادی متکی بر استخراج منابع تمام شدنی به اقتصادی است که بخشی از سرمایه خود را از منابع قابل احیا و خدمات اکوسیستمی دریافت می کند.

طلای آبی چیست؟

«طلای آبی» در این چارچوب، استعاره ای برای سرمایه طبیعی و تجدید پذیر دریاست؛ از ماهی و آبزیان گرفته تا خدمات اکوسیستمی، گردشگری، حمل و نقل، آبی پروری و سایر فعالیت های اقتصادی وابسته به اقیانوس. تفاوت اصلی با «طلای سیاه» در همین نقطه است. نفت پس از استخراج مصرف می شود و ذخایر آن محدود است؛ اما یک ذخیره ماهی، در صورت مدیریت

علمی، امکان بازشازی دارد.

البته این قابلیت مطلق نیست. اگر میزان صید از ظرفیت زیستی ذخایر عبور کند، «طلای آبی» نیز مانند هر سرمایه طبیعی دیگری می تواند به سرمایه ای رو به زوال تبدیل شود. به همین دلیل، اقتصاد آبی پایدار بیش از آنکه درباره افزایش حجم برداشت باشد، درباره افزایش ارزش ایجاد شده از هر واحد برداشت، است.

این تفاوت برای عمان اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا ضعف این کشور تنها در میزان صید نیست، بلکه در زنجیره ارزش پس از صید نیز دیده می شود. فرآوری محدود داخلی، تلفات پس از صید، ضعف زنجیره سرد و ارتباط ناکافی شسلیات با صنایعی مانند فرآوری، آبی پروری، لجستیک و گردشگری دریایی، بخشی از این شکاف را تشکیل می دهد.

یک کیلو آبالون ارزشمندتر از یک کیلو نفت

یکی از جذاب ترین ابعاد «طلای آبی» در عمان، تفاوت ارزش واحد برخی محصولات دریایی با منابع سنتی است. آبالون عمانی یا Haliotis mariae، گونه ای بومی و ارزشمند در سواحل قطار است. قیمت این محصول در بازار داخلی عمان در گذشته به طور متوسط حدود ۱۳۰ دلار به ازای هر کیلو گرم بوده، در حالی که قیمت آن در بازارهای خردفروشی و خراجی های سطح بالای شرق آسیا به ۶۰۰ دلار برای هر کیلو گرم نیز رسیده است. در مقابل، ارزش تقریبی نفت خام عمان در سال ۲۰۲۶، با تبدیل قیمت نفت به واحد وزن، حدود ۰.۵۷ تا ۰.۶۳ دلار برای هر کیلو گرم برآورد شده است. البته این اعداد به معنای آن نیست که یک کیلو آبالون می تواند جایگزین یک کیلو نفت در اقتصاد کلان شود. نفت به دلیل مقیاس عظیم تولید، زیرساخت های موجود و نقش آن در درآمدهای دولت، همچنان وزنه ای کاملاً متفاوت دارد. اما این مقایسه یک پیام مهم دارد: اقتصاد دریا می تواند به جای افزایش حجم استخراج، از مسیر افزایش ارزش واحد، کیفیت، فراوری و دسترسی به بازارهای جهانی ثروت بیشتری خلق کند.

«پارادوکس حجم-ارزش» در شیلات عمان

افزایش حجم صید الزاماً به معنای افزایش ثروت نیست. عمان در سال ۲۰۲۵ حدود ۷۳۳ هزار تن ماهی و سایر محصولات شیلاتی برداشت کرده و سهم مستقیم بخش شیلات در تولید ناخالص داخلی به حدود ۵۲۲ میلیون ریال عمان، معادل ۱.۱ درصد تولید ناخالص داخلی کشور رسیده است. این رشد قابل توجه است؛ اما نباید آن را به تنهایی نشانه موفقیت پایدار دانست. اگر افزایش حجم صید هم زمان با کاهش ذخایر، افت تنوع زیستی، افزایش فشار بر گونه های آسیب پذیر و کاهش ظرفیت بازسازی اکوسیستم باشد، بخشی از درآمد امروز در واقع از جیب نسل آینده پرداخت شده است. از همین جا مفهوم «پارادوکس حجم-ارزش» شکل می گیرد: ممکن است آمار تولید افزایش پیدا کند، اما ارزش واقعی سرمایه طبیعی کاهش یابد.

برخی ذخایر کفزی و ماهیان بزرگ دریایی عمان در وضعیت بهره برداری کامل یا بیش از حد قرار دارند. نمونه هایی مانند بهره برداری ناپایدار از هامور نارنجی خال یا Epinephelus coioides در شمال عمان، این نگرانی را تقویت می کند.

طلای سبز در برابر طلای آبی

رقابت میان دریا و خشکی صرفاً یک رقابت اقتصادی نیست؛ بلکه به شرایط طبیعی هر کشور نیز مربوط می شود. عمان کشوری خشک با محدودیت شدید آب و زمین حاصلخیز است. کشاورزی در این کشور به شدت به شیرین سازی آب و بمپاژ منابع زیرزمینی وابسته است و حدود ۸۳ درصد مصرف آب کشور به این بخش و تأمین آب مر تبط است.

«سر آمد» منتشر می کند؛

درس های عمان برای اقتصادهای دریامحور

مسیر مقابل اقتصادهای نفتی برای جست و جوی مو تورهای جدید رشد

برداشت از منابع زیرزمینی در برخی مناطق از میزان تغذیه طبیعی فراتر می رود و پیامدهایی مانند نفوذ آب شور به سفره های آب زیرزمینی ساحلی ایجاد می کند. این شرایط به معنای بی اهمیت بودن کشاورزی نیست. خرما، گوجه فرنگی و هندوانه همچنان برای امنیت غذایی، اشتغال و میراث فرهنگی عمان اهمیت دارند.

اما از منظر استراتژیک، محدودیت آب، زمین و انرژی نشان می دهد که توسعه بی نهایت «طلای سبز» در عمان امکان پذیر نیست. در مقابل، گسترده گی قلمرو دریایی، موقعیت جغرافیایی و سابقه تاریخی دریانوردی عمان، ظرفیت متفاوتی برای توسعه اقتصاد دریامحور ایجاد کرده است.

مسئله اصلی: صید بیشتر نیست، ارزش بیشتر است

اگر عمان بخواهد «طلای آبی» را به یکی از پایه های اقتصاد آینده خود تبدیل کند، مسیر آن لزوماً از افزایش صید نمی گذرد. مسیر اصلی می تواند از فرآوری، بسته بندی، زنجیره سرد، برندینگ، صادرات، آبی پروری، گردشگری دریایی، لجستیک و خدمات دریایی عبور کند. به بیان دیگر، هدف باید این باشد که ماهیگیر با تولیدکننده دریایی، به جای فروش ماده خام، سهم بیشتری از ارزش نهایی محصول را دریافت کند. این همان نقطه ای است که اقتصاد آبی از اقتصاد سنتی شیلات جدا می شود.

عمان ۲۰۲۰: دریا در قلب تنوع بخشی

چشم انداز عمان ۲۰۴۰. اقتصاد آبی را به عنوان یکی از مسیرهای مهم تنوع بخشی اقتصادی مورد توجه قرار داده است. در این مسیر، شیلات تنها یکی از حلقه هاست. آبی پروری، گردشگری دریایی، حمل و نقل، خدمات بندری، فناوری های دریایی و صنایع پایین دستی نیز می توانند در زنجیره جدید اقتصاد اقیانوسی قرار بگیرند.

اقداماتی مانند ایجاد صخره های مصنوعی در بخش هایی از سواحل عمان نیز نمونه ای از تلاش برای تقویت زیستگاه های دریایی و افزایش بهره وری شیلات است. مطالعات انجام شده در دریای عمان نشان داده اند که مناطق دارای صخره های مصنوعی می توانند از فراوانی بیشتر ماهیان و نتایج بهتر صید نسبت به مناطق پیرامونی برخوردار باشند. اما توسعه این ظرفیت بدون حکمرانی مناسب می تواند نتیجه معکوس داشته باشد.

حکمرانی: مرز میان «طلای آبی» و «بحران آبی»

در اقتصاد نفتی، استخراج بیشتر معمولاً به معنای تولید بیشتر است؛ اما در اقتصاد دریایی، این رابطه مستقیم نیست. اگر ذخایر ماهی کاهش پیدا کنند، افزایش فشار صیادی می تواند درآمد کوتاه مدت را بالا برد، اما ظرفیت درآمدزایی آینده را کاهش دهد. بنابراین می توان گفت که حکمرانی مهم تر از حجم منابع است. عمان برای مدیریت منابع دریایی اقداماتی مانند محدودیت های فصلی، نظام صدور مجوز، مناطق حفاظت شده دریایی، صخره های مصنوعی و مشارکت در ترتیبات منطقه ای و بین المللی شیلات را در اختیار دارد. اما چالش ها همچنان جدی اند: بخشی از شیلات سنتی ماهیتی نسبتاً باز دارد، ارزیابی ذخایر هنوز کامل نیست، هماهنگی نهادی نیازمند تقویت است و نظارت بر بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر ساحل کار ساده ای نیست.

در کنار این موارد، گزارش هایی درباره نشست های کوچک نفتی در مسندم که گاه از دید نظام های نظارتی پنهان می مانند نیز نشان می دهد که حفاظت از سرمایه طبیعی دریایی همچنان نیازمند تقویت سازو کارهای پایش و اجرای قانون است.

فناوری، چشم جدید عمان برای دیدن دریا

یکی از مهم ترین فرصت های پیش روی عمان، اتصال اقتصاد دریایی به تحول دیجیتال است. هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، کلان داده و سامانه های هوشمند می توانند برای پایش صید، شناسایی منابع، نظارت بر فعالیت شناورها، پایش بینی وضعیت آب و هوا، مدیریت آبی پروری و افزایش بهره وری مورد استفاده قرار گیرند.

از سوی دیگر، ایجاد زیرساخت داده های مکانی دریایی می تواند مشکل پراکندگی اطلاعات و جز برای بودن داده های دریایی را کاهش دهد. ردیابی دیجیتال محصولات شیلاتی نیز می تواند به افزایش شفافیت زنجیره تأمین، کنترل صید غیر مجاز و دسترسی بهتر به بازارهای صادراتی کمک کند. در واقع، آینده «طلای آبی» نه فقط در دریا، بلکه در داده هایی است که درباره دریا جمع آوری و تحلیل می شوند.

یک خلاصه مهم؛ حسابداری سرمایه طبیعی

یکی از ضعف های مهم در ارزیابی اقتصادی منابع دریایی عمان، نبود داده های کامل و استاندارد درباره سود خالص، رانت منابع و سودآوری تعدیل شده بر اساس پایداری است. به همین دلیل، توسعه حساب های آقماری شیلات و حسابداری سرمایه طبیعی اهمیت ویژه ای دارد. در چنین نظامی، تنها مقدار ماهی صید شده محاسبه نمی شود؛ بلکه هزینه صید، وضعیت ذخایر، تلفات پس از صید، خدمات اکوسیستمی، امنیت غذایی و ارزش منابع برای نسل های آینده نیز وارد محاسبات اقتصادی می شوند.

درس عمان برای کشورهای ساحلی

تجربه عمان یک پیام ساده اما مهم دارد: دریا نفت دوم نیست. نمی توان انتظار داشت که ماهی، گردشگری یا آبی پروری به تنهایی درآمد های نفتی را جبران کنند. اما می توان انتظار داشت که مجموعه فعالیت های دریامحور، اگر در یک زنجیره ارزش به هم متصل شوند، بخشی از اقتصاد آینده را بسازند. درس نخست عمان، وارد کردن سرمایه طبیعی دریایی به متن برنامه های توسعه ملی است.

درس دوم، ایجاد حکمرانی قدرتمند، پایش علمی و اجرای مؤثر قوانین است.

درس سوم، افزایش ارزش افزوده به جای افزایش بی ضابطه برداشت است.

و درس چهارم، همکاری منطقه ای است؛ زیرا ماهی، جریان های دریایی، آلودگی، امنیت دریایی و بسیاری از خدمات اکوسیستمی مرز سیاسی نمی شناسند. منطقه خلیج فارس با چالش های مشترکی مانند تخریب زیستگاه های ساحلی و پراکندگی ساختارهای حکمرانی مواجه است. بنابراین گذار به اقتصاد آبی بدون همکاری منطقه ای شوار خواهد بود.

آینده ای که از دریا آغاز می شود

عمان اکنون در برابر یک انتخاب است: آیا دریا را صرفاً به عنوان منبعی برای صید بیشتر می بیند یا آن را به عنوان سرمایه ای طبیعی، تجدیدپذیر و مولد وارد معادلات توسعه ملی می کند؟ پاسخ به این پرسش، آینده «طلای آبی» را تعیین خواهد کرد. اگر ذخایر ماهی احیا شوند، زیستگاه ها حفاظت شوند، فناوری به کمک پایش و مدیریت بیاید، زنجیره ارزش توسعه پیدا کند و سهم جوامع ساحلی از درآمد افزایش یابد، دریا می تواند به یکی از پایه های تاب آوری اقتصاد عمان تبدیل شود.

اما اگر توسعه دریایی صرفاً به معنای افزایش برداشت باشد، «طلای آبی» نیز می تواند سرنوشتی شبیه دیگر منابع طبیعی داشته باشد؛ منبعی که به جای تولید ثروت پایدار، سرمایه طبیعی را مصرف می کند. از این منظر، مهم ترین درس عمان برای اقتصادهای ساحلی جهان این است که ثروت آینده دریا در میزان استخراج آن نیست؛ در میزان ارزشی است که بدون تخریب ظرفیت باز تولید آن خلق می شود.

«طلای آبی» بنابراین صرفاً یک نام تازه برای اقتصاد دریاست؛ یک چارچوب تازه برای پیوند دادن تنوع بخشی اقتصادی، حفاظت از محیط زیست، امنیت غذایی، معیشت جوامع ساحلی و رفاه نسل های آینده. در جهانی که منابع خشکی محدودتر و فشار بر اقتصادهای متکی بر سوخت های فسیلی بیشتر می شود، شاید بخشی از پاسخ به پرسش «اقتصاد پس از نفت چه خواهد بود؟» نه در زیر زمین، بلکه در سطح آب پیدا شود.

ژئوپارک جهانی قشم – جزایر ناز در گذر زمان

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی